



Predicting marital commitment based on internal religious orientation with the mediation of sexual satisfaction and self-control

Azadeh. Mehrtash¹, Shohreh. Ghorban Shiroudi*² & Jamshid. Jarareh³

1. PhD student, Department of Educational Sciences and Counseling, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. *Corresponding Author: Associate Professor, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. Adjunct Professor, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

ABSTRACT

Article type

Original research

Pages: 101-115

Corresponding Author's Info
Email:

Drshohrehshiroudi@gmail.com

Article history:

Received: 2022/10/12

Revised: 2023/02/05

Accepted: 2023/03/11

Published online: 2023/08/27

Keywords:

Internal religious orientation, marital commitment, sexual satisfaction, self-control.

Background and Aim: The present study was conducted with the aim of predicting marital commitment based on Internal religious orientation with the mediation of sexual satisfaction and self-control. **Methods:** The research method was correlational and structural equations type. The statistical population is all women who referred to counseling centers and health homes in Tehran in 2020-21 and 380 people were selected as a sample using a simple random sampling method. The data collection tool was Adams and Jones' Marital Commitment Questionnaire (1997), Allport Religious Orientation Questionnaire (1950), Larson et al.'s Sexual Satisfaction Questionnaire (1998), and Tanji et al.'s Self-Control Questionnaire (2004). For data analysis, structural equation modeling was used using AMOS 14 and SPSS 24 software. **Results:** The results showed that the direct effect of Internal religious orientation on sexual satisfaction ($\beta=-0.31$), self-control ($\beta=-0.40$) and marital commitment ($\beta=-0.28$) is significant. The direct effect of sexual satisfaction on marital commitment ($\beta=0.17$) and self-control on marital commitment ($\beta=0.64$) is also positive and significant. Meanwhile, self-control can play a mediating role in the relationship between Internal religious orientation and marital commitment ($P \geq 0.001$). **Conclusion:** Internal religious orientation, communication patterns, sexual satisfaction and self-control, if formed in positive and efficient dimensions, can increase and maintain couples' commitments.



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article:

Mehrtash, A., Ghorban Shiroudi, S., & Jarareh, J. (2023). Predicting marital commitment based on Internal religious orientation with the mediation of sexual satisfaction and self-control. *Jayps*, 4(6): 101-115.



مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی

آزاده مهرتاش^۱، شهره قربان شیروودی^{۲*} و جمشید جراره^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی و مشاوره، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران
۳. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. مدعو گروه علوم تربیتی و مشاوره، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

زمینه و هدف: تعهد زناشویی به عنوان یک فرآیند شناختی تعریف می‌شود که منعکس کننده تصمیماتی است که افراد در مورد شریک زندگی خود می‌گیرند. پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی انجام شد. **روش پژوهش:** روش پژوهش همبستگی و از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه آماری کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است و ۳۸۰ نفر با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰)، پرسشنامه رضایت جنسی لارسون و همکاران (۱۹۹۸) و پرسشنامه خودکنترلی تانجی و همکاران (۲۰۰۴) بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از الگویی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار AMOS و SPSS 24 استفاده شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد اثر مستقیم جهت گیری مذهبی بیرونی بر رضایت جنسی ($\beta=0/31$)، خودکنترلی ($\beta=0/40$) و تعهد زناشویی ($\beta=0/28$) معنادار می‌باشد. اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی ($\beta=0/17$) و خودکنترلی بر تعهد زناشویی ($\beta=0/64$) نیز مثبت و معنادار است. در این میان خودکنترلی در ارتباط بین باورهای ارتباطی و تعهد زناشویی نقش میانجی را می‌تواند ایفای کند ($P \leq 0/001$). **نتیجه‌گیری:** ازدواج پایدار زمانی است که شریک زندگی از یک رابطه سالم برخوردار باشد. جایی که شریک زندگی منبع حمایت عاطفی، دوستی، رضایت جنسی و حمایت مالی برای یکدیگر است که می‌تواند تعهدات زوج‌ها را افزایش و حفظ کند.

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵-۱۰۱

اطلاعات نویسنده مسئول

ایمیل:

Drshohrehshiroudi@gmail.com

سابقه مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

تاریخ اصلاح مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

واژگان کلیدی

آموزش مثبت نگر، درمان متمرکز بر شفقت، خودمراقبتی، خود ارزشمندی، بهزیستی و مسئولیت‌پذیری، سرطان پستان.

انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است. تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.



شیوه استناد به این مقاله

مهرتاش، آزاده، قربان شیروودی، شهره، و جراره، جمشید. (۱۴۰۲). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۴(۶): ۱۱۵-۱۰۱.

مقدمه

در زمان‌های اخیر، افراد ترجیح داده‌اند در جوامع بهتر زندگی کنند و بهترین شرکا را برای تضمین زندگی شاد و صلح آمیز انتخاب نمایند. ازدواج یک امر سنتی اجتماعی و تشریفاتی شرکا با وظایف و حقوق شناخته شده است. توصیف استاندارد ازدواج بر اساس فرهنگ و منطقه متفاوت است، زیرا ازدواج به عنوان یک واجب دینی توصیه می‌شود. در نتیجه ازدواج توافقی است بین یک زوج برای نشان دادن عشق، تعهد و لذت و تعهد به یک رابطه خانوادگی سالم (نلسون، کرک، آنه، سرس، ۲۰۱۱). این پایه و اساس آمادگی روانی بهتر در زنان است. بنابراین، رضایت عاطفی و قانونی در زندگی هر زن و مرد متاهل حیاتی است. ضمناً انتخاب همسر و عقد نکاح از منافع شخصی در بزرگسالی محسوب می‌شود. انتخاب همسر در واقع یکی از دشوارترین تصمیمات در زندگی یک فرد است. افراد به دلایل مختلفی مانند لذت، عشق، آرزوی ایجاد خانواده، نیاز جنسی یا تمایل به فرار از انزوا و سختی‌های اجتماعی ازدواج می‌کنند (امان، عباس، للا و شی، ۲۰۲۱).

در میان تعاملات مختلف، تعهد به روابط زناشویی، مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است (نوابی نژاد و همکاران، ۲۰۲۳). هر فردی در زندگی خود به انواع خاصی از چیزها متعهد است. یکی از ویژگی‌های طولانی موفق، تعهد زناشویی است. تعهد زناشویی به عنوان یک فرآیند شناختی تعریف می‌شود که منعکس کننده تصمیماتی است که افراد در مورد شریک زندگی خود می‌گیرند (گبی، ۲۰۱۸). تعهد در روابط زناشویی مفهومی ویژه است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است.

تعهد زناشویی را می‌توان به عنوان احساس استقامت تعریف کرد که در جذابیت و محدودیت یافت می‌شود (نلسون، کرک، آنه، سرس، ۲۰۱۱). در نتیجه همانطور که جانسون معتقد است، تعهد زناشویی^۱ شامل

1. Marital commitment

سه بعد تعهد شخصی، اخلاقی و ساختاری است. تعهد شخصی تمایل فرد به حفظ رابطه زناشویی است. این تعهد بیانگر ادراکات فرد از شریک زندگی و رابطه اش و همچنین اهمیت رابطه برای هر یک از همسران است. بعد دیگر تعهد زناشویی، تعهد فرد به حفظ رابطه خود است. ارزش‌های شخصی و باورهای اساسی در ارتباط با رفتار صحیح در روابط، هسته اصلی تعهد اخلاقی است (هالپرن میکین و تاج، ۲۰۱۳).

تعهد ساختاری به این معناست که فرد احساس کند به دلیل عوامل بیرونی باید در رابطه باقی بماند. هم تعهد به همسر و هم ازدواج، کلید موفقیت ازدواج هستند. هر ازدواج موفق دارای سه رکن اصلی یعنی تعهد، جذب و تفاهم است. تعهد زناشویی قوی ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات ازدواج است (اشکذری، پیریایی، بروجردیان و اشکذری، ۲۰۱۷). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و سازگاری زناشویی، مهارت‌های مناسب حل مسئله و رضایت زناشویی همبستگی دارد (لام و همکاران، ۲۰۱۶). این سه جزء با هم ترکیب می‌شوند تا یک رابطه رضایت بخش بین افراد ایجاد کنند. تعهد شخصی به علاقه فرد به ادامه رابطه زناشویی بر اساس جاذبه زناشویی و رضایت زناشویی اشاره دارد. تعهد اخلاقی به مسئولیتی اشاره دارد که افراد معتقدند باید در ارتباط بمانند و از زندگی لذت ببرند. تعهد ساختاری بر وجود روابط اجتماعی دلالت دارد (امان، عباس، للا و شی، ۲۰۲۱).

تعهد زناشویی نشان دهنده دیدگاه بلندمدت زوجین نسبت به ازدواجشان است (تری، لیری، مهتا، ۲۰۱۳) و ماهیت وابستگی هر یک از زوجین را در روابط زناشویی نشان می‌دهد. عنصر مهمی در ثبات و انسجام هر ازدواج است (تودسکو، ۲۰۱۲). آدامز و جونز (۱۹۹۷) تعهد زناشویی را در سه بعد شخصی، اخلاقی و ساختاری بیان می‌کنند. از این منظر، تعهد شخصی بیانگر تمایل فرد به

حفظ رابطه زناشویی و نگرش عاشقانه او نسبت به شریک زندگی خود و رابطه آنهاست. تعهد اخلاقی منعکس کننده باورهای اخلاقی فرد برای ماندن در یک رابطه و رفتار مناسب است و تعهد ساختاری از باورهای بیرونی فرد برای ماندن در یک رابطه ناشی می شود به طوری که عوامل خارجی مانند عوامل فرهنگی و عرفی او را مجبور به ماندن در رابطه می کنند (ارنبرگ، رابرتسون، پرینگل، ۲۰۱۲). استرنبرگ (۱۹۸۶) در نظریه مثلثی عشق، تعهد را جزء مهم و سازنده و ضلعی از مثلث عشق معرفی می کند. تعهد جزء شناختی این رابطه است و سازه های شناختی متعددی که زوج ها در روابط زناشویی وارد می کنند، آنها را به حفظ رابطه طولانی مدت با یکدیگر متعهد می سازد. تعهد زناشویی برای سلامت نظام خانواده مهم است و شناخت عوامل مؤثر بر آن ضروری است. همانطور که شواهد پژوهشی نشان می دهد صمیمیت زناشویی و عوامل شخصی و مذهبی بر آن تأثیر می گذارد (زارعی، ۲۰۲۰). تعهد زناشویی زوجین نقش سازنده ای در ایجاد ثبات در خانواده دارد و عوامل مختلفی از جمله ویژگی های شخصیتی زوجین می تواند بر میزان تعهد زناشویی تأثیر بگذارد (صادقی، قادریجاوید، شالانی، ۲۰۱۹). فینچام و همکارانش نیز مؤلفه های شناختی و فردی را از عوامل زمینه ساز اختلال یا عدم اختلال در روابط زناشویی معرفی می کنند و معتقدند که شناخت های ناکارآمد موجب تنش و به دنبال آن عهدشکنی و فروپاشی زندگی زناشویی می شود. دو سازه مهم شناختی باورهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی هستند. تأثیر هر دو متغیر از جمله منابع اساسی مؤثر بر تعهد زناشویی است (فینچام و همکاران، ۲۰۰۷).

درک عواملی که بر ثبات زناشویی تأثیر می گذارند، به ایجاد یک نظریه ثبات زناشویی کمک می کند. عاملی که ممکن است بر ثبات زناشویی تأثیر بگذارد، دینداری است. در رابطه با زندگی زناشویی، زمانی که افراد بتوانند خود را در موقعیت های زناشویی استرس زا مدیریت کنند، ازدواج آنها نسبت به افرادی که توانایی مدیریت خود در

موقعیت های استرس زا را ندارند، به ثبات بیشتری می رسد (لطیفه، سالسیلا و یولیانتو، ۲۰۲۲). یافته پژوهش لطیفه، سالسیلا و یولیانتو (۲۰۲۲) نشان داد که دینداری و تعهد زناشویی بر ثبات زناشویی تأثیر معناداری دارد. علاوه بر این، لطیفه و آملیا (۲۰۱۸) دریافته اند که تعهد به ارزش های اسلامی به طور قابل توجهی ثبات زناشویی را پیش بینی می کند. مطالعه براون و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که بین دینداری و ثبات زناشویی در سفیدپوستان آمریکایی و سیاهپوست آمریکایی رابطه وجود دارد. با استفاده از تئوری دینداری، توانایی حل مشکلات در موقعیت های سخت و موقعیت های استرس زا را افزایش می دهد (الیسون ۱۹۹۱)، مانند زمانی که افراد قادر به مدیریت خود در موقعیت های استرس زا هستند، ازدواجشان نسبت به افراد بدون توانایی پایداری است. چینیتس و براون (۲۰۰۱) اشاره می کنند که سطح بالای دینداری سطح تعارض در ازدواج را کاهش می دهد. در این راستا، ثبات زناشویی نیز افزایش خواهد یافت. تحقیقات انجام شده توسط لمبرت و دولاهیت (۲۰۰۶) نشان می دهد که دینداری فردی میل به حفظ یک رابطه دائمی را تقویت می کند (به عبارت دیگر بر تعهد زناشویی تأثیر می گذارد) که به نوبه خود به زوج ها در برخورد با تعارضات پیش آمده کمک می کند. سالیوان (۲۰۰۱) دریافت که با سطح بالای دینداری، میزان تعهد افزایش می یابد و بی ثباتی زناشویی کاهش می یابد (افزایش ثبات زناشویی). لطیفه و آملیا (۲۰۱۸) همچنین دریافتند که تعهد به دینداری (از طریق مشارکت مذهبی و اعتقاد مذهبی ارزیابی می شود)، به ویژه برای مسلمانان، به طور قابل توجهی ثبات زناشویی را پیش بینی می کند. مشارکت در فعالیت های مذهبی می تواند افراد را تشویق به زنده ماندن و مبارزه با موفقیت در شرایط دشوار در طول زندگی زناشویی خود کند و در نتیجه تمایل به طلاق کم شود.

در این میان فعالیت جنسی و رضایت نقش عمده ای در صمیمیت زوجین دارد. رابطه جنسی نارضایتی زوجین

حفظ رابطه زناشویی و نگرش عاشقانه او نسبت به شریک زندگی خود و رابطه آنهاست. تعهد اخلاقی منعکس کننده باورهای اخلاقی فرد برای ماندن در یک رابطه و رفتار مناسب است و تعهد ساختاری از باورهای بیرونی فرد برای ماندن در یک رابطه ناشی می شود به طوری که عوامل خارجی مانند عوامل فرهنگی و عرفی او را مجبور به ماندن در رابطه می کنند (ارنبرگ، رابرتسون، پرینگل، ۲۰۱۲). استرنبرگ (۱۹۸۶) در نظریه مثلثی عشق، تعهد را جزء مهم و سازنده و ضلعی از مثلث عشق معرفی می کند. تعهد جزء شناختی این رابطه است و سازه های شناختی متعددی که زوج ها در روابط زناشویی وارد می کنند، آنها را به حفظ رابطه طولانی مدت با یکدیگر متعهد می سازد. تعهد زناشویی برای سلامت نظام خانواده مهم است و شناخت عوامل مؤثر بر آن ضروری است. همانطور که شواهد پژوهشی نشان می دهد صمیمیت زناشویی و عوامل شخصی و مذهبی بر آن تأثیر می گذارد (زارعی، ۲۰۲۰). تعهد زناشویی زوجین نقش سازنده ای در ایجاد ثبات در خانواده دارد و عوامل مختلفی از جمله ویژگی های شخصیتی زوجین می تواند بر میزان تعهد زناشویی تأثیر بگذارد (صادقی، قادریجاوید، شالانی، ۲۰۱۹). فینچام و همکارانش نیز مؤلفه های شناختی و فردی را از عوامل زمینه ساز اختلال یا عدم اختلال در روابط زناشویی معرفی می کنند و معتقدند که شناخت های ناکارآمد موجب تنش و به دنبال آن عهدشکنی و فروپاشی زندگی زناشویی می شود. دو سازه مهم شناختی باورهای ارتباطی و الگوهای ارتباطی هستند. تأثیر هر دو متغیر از جمله منابع اساسی مؤثر بر تعهد زناشویی است (فینچام و همکاران، ۲۰۰۷).

درک عواملی که بر ثبات زناشویی تأثیر می گذارند، به ایجاد یک نظریه ثبات زناشویی کمک می کند. عاملی که ممکن است بر ثبات زناشویی تأثیر بگذارد، دینداری است. در رابطه با زندگی زناشویی، زمانی که افراد بتوانند خود را در موقعیت های زناشویی استرس زا مدیریت کنند، ازدواج آنها نسبت به افرادی که توانایی مدیریت خود در

منجر به ناامیدی، محرومیت، احساس ناامنی، کاهش سلامت روان و در نتیجه کاهش رضایت زناشویی و فروپاشی زندگی می‌شود (اسمیت، ۲۰۱۵). تمایلات جنسی دارای سه بعد اصلی است که عبارتند از «خودپنداره جنسی»، «روابط جنسی» و «عملکرد جنسی» (وودز، ۱۹۸۷). خودپنداره جنسی به این معناست که چگونه فرد به کفایت خود به عنوان یک مرد یا یک زن در نقش‌های مردانه یا زنانه خود ارزیابی می‌کند و شامل «تصویر بدن»، «خود طرحواره جنسی» و «عزت نفس» می‌شود. روابط جنسی بخشی از روابط بین فردی است که در آن فرد تمایلات جنسی خود را با شخص دیگری در میان می‌گذارد. عملکرد جنسی به توانایی فرد برای تبادل لذت جنسی و عملکرد سالم در چرخه جنسی فیزیکی و روانی مربوط می‌شود (تائو، کوتس و مایکوک، ۲۰۱۱). در بهترین حالت، رابطه جنسی می‌تواند برای مردان و زنان لذت و رضایت زیادی به ارمغان بیاورد و بخش حساسی از زندگی انسان است. به این ترتیب، بسیاری از مطالعات تجربی همبستگی مثبت و معناداری را بین رضایت جنسی و کیفیت زناشویی گزارش کرده‌اند (یانگ و همکاران، ۱۹۹۸)، و کیفیت زناشویی بهتر، زندگی زناشویی پایدارتری را پیش‌بینی می‌کند (بیه و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج چند مطالعه طولی نشان داده است که رضایت جنسی پیش‌بینی‌کننده ثبات زندگی زناشویی است (احمد و همکاران، ۱۹۹۶). یافته‌های پژوهش نشان داده است که بین کیفیت زندگی زناشویی و سلامت جسمی و روانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (رابلس و همکاران، ۲۰۱۴) و رضایت جنسی می‌تواند نقش واسطه‌ای بین سلامت جسمانی و کیفیت بالای زندگی زناشویی داشته باشد (گالینسکی و ویت، ۲۰۱۴).

و در نهایت اینکه در ارتباط بین متغیرهای باورهای مذهبی بیرونی با تعهد زناشویی و نیز نقش میانجی خودکنترلی در این ارتباط و همسو با نتایج پژوهش

یافته‌ها به طور کلی تأیید می‌کنند که خودکنترلی واقعاً به طور مثبت با رضایت از رابطه همزمان خود مرتبط است (دانلان و همکاران، ۲۰۰۷؛ لاونر و همکاران، ۲۰۱۷؛ مید، ۲۰۰۵؛ تان و همکاران، ۲۰۱۷؛ یانگ، ۲۰۱۷). استدلال شده است که خودکنترلی نیروی محرکه‌ای است که تکانه‌های مخرب سطح روده را به سمت پاسخ‌های سازنده هدایت می‌کند که با اهداف روابط بلندمدت همسو هستند (فینکل و کمپبل، ۲۰۰۱)، فرآیندی که تغییر انگیزه نامیده می‌شود (یوتیچ و راسولت، ۱۹۹۴). مطابق با این استدلال، و همانطور که در بالا ذکر شد، افرادی که دارای ویژگی‌های بالای خودکنترلی هستند، در واقع بهتر می‌توانند رفتارهای طرفدار رابطه را نسبت به شریک زندگی نشان دهند، به ویژه زمانی که با دوراهی‌هایی مواجه می‌شوند که بین پاسخ به انگیزه‌های منفعت‌خواهانه یا شریک‌محور و رابطه‌محور مواجه می‌شوند. انگیزه‌ها (به عنوان مثال، ارتباط سازنده، بخشش، فداکاری). از آنجایی که احتمال بیشتری دارد این کار را انجام دهند، افرادی که خودکنترلی بالایی دارند نیز تمایل دارند که توسط شرکای خود به عنوان پاسخگوتر و قابل اعتماد تلقی شوند. بر اساس چنین یافته‌هایی، می‌توان پیش‌بینی کرد که خودکنترلی با صفت بالا با سطح بالایی از رضایت از رابطه، هم برای خود و هم شاید به‌ویژه برای شریک زندگی مرتبط است (ژوه و همکاران، ۲۰۲۰).

در سال‌های اخیر یکی از مهمترین دلایل اختلاف و جدایی، بی‌وفایی و عدم تعهد همسران بیان شده است. از سوی دیگر، مدل‌سازی متغیرهای مؤثر مرتبط با تعهد می‌تواند به پیشگیری از اختلافات زناشویی و تقویت روابط بین زوج‌ها کمک کند و تعهد زناشویی را به‌طور چشمگیری افزایش دهد. از آنجایی که تعهد در دین و فرهنگ ما نیز ارزش ممتازی است و حساسیت زیادی نسبت به آن وجود دارد و از سوی دیگر، متغیرهای مؤثر بر تعهد زناشویی در ایران نیازمند توجه فراوان است. در

برای پرسشنامه تعهد زناشویی تعیین شد. و با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ بین ۰ تا ۱ متغیر است و هرچه این ضریب به یک نزدیک تر باشد، مناسب تر است، بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه‌های فوق از اعتبار کافی برخوردار می‌باشد، بدین معنی که پاسخ‌های داده شده ناشی از شانس و تصادف نبوده، بلکه به خاطر اثر متغیری می‌باشد که مورد آزمون قرار گرفته است. بنابراین می‌توان اعتبار ابزار را برای پژوهش پذیرفت. توزیع پرسشنامه بین نمونه‌های این پژوهش غالباً به صورت الکترونیکی اجرا شد. در این پژوهش از روش پیشرفته آماری الگویابی معادلات ساختاری، با کاربرد نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (MCQ). پرسشنامه تعهد زناشویی میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواجشان و ابعاد آن را اندازه گیری می‌کند. این پرسشنامه به وسیله آدامز و جونز در سال ۱۹۹۷ در ۴۳ گویه تهیه و تدوین شده است. شیوه نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرد پنج گزینه‌ای است (کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵) و سه بعد تعهد زناشویی را اندازه گیری می‌کند. که شامل تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری است. آدامز و جونز در ۶ پژوهش گوناگون برای رسیدن به پایایی و روایی پرسشنامه آن را در مورد ۴۱۷ نفر متأهل، ۳۴۷ نفر مجرد و ۴۶ نفر مطلقه اجرا کردند. در این مطالعات همبستگی هر پرسش با نمره کل پرسشنامه بالا و معنادار بود. پایایی کل پرسشنامه ۸۲٪ گزارش شد. در داخل ایران نیز پایایی پرسشنامه در پژوهش قنبری هاشم آبادی (۱۳۹۰) برای تمامی خرده مقیاس‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج حاصل نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برای مولفه تعهد شخصی ۰/۷۹، برای مولفه تعهد اخلاقی ۰/۸۰ و برای مولفه تعهد ساختاری نیز ۰/۸۲ می‌باشد.

عین حال، کمبود تحقیق در مورد رابطه تعهد زناشویی و باورهای ارتباطی در قالب مدل‌های معادلات ساختاری با میانجی‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، انجام این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین سوال پژوهش حاضر این است که آیا مدل تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی قابل پیش‌بینی است؟

روش پژوهش

از این نظر که هدف این پژوهش بررسی پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت‌گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی می‌باشد، لذا برای بررسی این عناصر از روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و از نظر هدف همبستگی بهره گرفته شده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر تهران در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می‌باشد در این پژوهش برای نمونه گیری بر اساس پیشنهاد کلان (۲۰۱۱)، از قاعده ۱۰ به ۱ استفاده می‌شود. با توجه به احتمال ریزش مشارکت کنندگان در فرایند انجام پژوهش، پژوهشگر تصمیم گرفت که از ۴۰۰ مشارکت کننده اطلاعات را جمع آوری کند که در نهایت ۳۸۰ پرسشنامه کامل مورد تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل زنان متأهل، دامنه سنی ۲۰ تا ۵۵ سال، مراجعه به مراکز مشاوره و خانه‌های سلامت شهر تهران و ملاک خروج از پژوهش عدم همکاری و پاسخ به تمامی سوالات پرسشنامه‌ها بود. چهار نوع پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات انتخاب شده است. همچنین برای برآورد اعتبار پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. در واقع در مورد پرسشنامه‌هایی که پاسخ‌های چند گزینه‌ای دارند، استفاده از فرمول ضریب آلفای کرونباخ توصیه شده است. در این پژوهش ضریب پایایی پرسشنامه که با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بدست آمد ۰/۷۷۵ برای پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی و ۰/۸۳۴ برای پرسشنامه رضایت جنسی و ۰/۹۱۲ برای پرسشنامه خودکنترلی ۰/۸۵۳

برای این پرسشنامه ۰/۹۳ گزارش شده است. پاسخ به سوالات این پرسشنامه به صورت ۵ گزینه‌ای و بر اساس یک مقیاس لیکرتی از یک تا ۵ است که گزینه هرگز نمره ۱، گزینه به ندرت نمره ۲، گاهی اوقات نمره ۳، اکثر اوقات نمره ۴ و همیشه نمره ۵ را دریافت می‌کنند. در مطالعه شمس مفرحه (۱۳۸۰)، روایی و پایایی این پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۶ گزارش شده است. همچنین طی پژوهش بهرامی تحت عنوان بررسی ارتباط رضایت جنسی و افسردگی بین زوجین بارور و نابارور، پایایی این پرسشنامه به روش ضریب آلفای کرونباخ برای گروه بارور ۰/۹۳ و برای گروه نابارور ۰/۸۹ بدست آمده است.

۴. پرسشنامه خودکنترلی. این مقیاس توسط تانجی و همکاران (۲۰۰۴) و شامل ۱۳ سؤال می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان کنترل افراد بر خودشان است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت (۱ تا ۵) بوده است. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات را با هم جمع کنید. حداکثر نمره برای پرسشنامه خودکنترلی تانجی ۶۵ و حداقل ۱۳ است. نمره بالاتر بیانگر خودکنترلی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش موسوی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) محاسبه و مورد تایید قرار گرفته است. در پژوهش تانجی و همکاران (۲۰۰۴) روایی این مقیاس با ارزیابی همبستگی آن با مقیاس‌های پیشرفت تحصیلی، سازگاری، روابط مثبت، و مهارت‌های بین فردی مورد تایید قرار گرفته است. همچنین پایایی آن بر روی دو نمونه آماری با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ بدست آمده است.

روش اجرا

روش اجرا در پژوهش حاضر به این شکل بود که پس از دریافت اطلاعات و مجوزهای لازم در مورد نمونه پژوهشی، محقق پرسشنامه‌های مورد نظر را در یک بازه

۲. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی. پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰)، شامل ۲۱ جمله است که به آزمودنی ارائه می‌شود و بعد از اطمینان بخشیدن به وی در حفظ امانت داری پاسخ‌های ارائه شده از طرف آزمودنی، از او خواسته می‌شود با کمال صداقت، احساس و نگرش خود به هر یک از عبارات را با علامت زدن و انتخاب یکی از گزینه‌ها مشخص نماید. سوالات آزمون دارای چهار گزینه: الف- کاملاً مخالفم، ب- تقریباً مخالفم، ج- تقریباً موافقم، د- کاملاً موافقم می‌باشد، بر همین اساس این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۴ نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه نقطه برش ندارد و هر چه آزمودنیها در مقیاس‌های مورد بررسی نمرات بیشتری بدست آورند بیشتر دارای آن صفت می‌باشند. آزمون محدودیت زمانی ندارد و به صورت گروهی اجرا می‌شود، همچنین این پرسشنامه محدودیت سنی ندارد و از ۱۶ سالگی به بالا قابلیت اجرا دارد. این آزمون در سال ۱۳۷۷ در ایران ترجمه و هنجاریابی شده که اعتبار و روایی آن توسط جان بزرگی (۱۳۷۷) بدست آمده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱ و پایایی باز آزمایی آن ۰/۷۴ است. در این مقیاس، گزینه‌های عبارات ۱ تا ۱۲ جهت‌گیری مذهبی برونی و عبارات ۱۳ تا ۲۱ جهت‌گیری مذهبی درونی را می‌سنجند. آلپورت و راس در سال ۱۹۶۷ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیریهای مذهبی درونی و بیرونی تهیه کردند، در مطالعات اولیه‌ای که صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری برونی و درونی ۰/۲۱ است.

۳. پرسشنامه رضایت جنسی. پرسشنامه رضایت جنسی لارسون بوسیله لارسون و همکارانش در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است (به نقل از شاه سیاه، شمس مفرحه، محبی و تیرایی، ۱۳۸۹) که شامل ۲۵ سؤال به روش پاسخدهی ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد و رضایت جنسی به صورت کلی را می‌سنجد. آلفای محاسبه شده

افزار spss و AMOS داده‌های جمع آوری شده به صورت توصیفی و استنباطی مورد تحلیل و آزمون قرار گرفت.

یافته‌ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان ۳۹/۸۶ (۶/۹۱) بود. جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیر باورهای ارتباطی را نشان می‌دهد.

زمانی ۳۲ روزه اجرا نمود و توزیع پرسشنامه بین نمونه‌های این پژوهش، به صورت الکترونیکی اجرا شد. بدین صورت که پس از پیاده سازی پرسشنامه‌ها در فرمت پرسشنامه آنلاین، با کسب مجوز لازم از واحدهای مربوطه، فرم‌ها به صورت لینک و از طریق مشارکت مدیریت منابع انسانی شرکت نفت، لینک به شماره تماس و یا ایمیل کارکنان ارسال شد، نتایج به صورت اکسل استخراج و در نرم افزار SPSS پیاده شد و با استفاده از نرم

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد باورهای ارتباطی (N=۳۸۰)

عامل کلی	زیر مقیاس‌ها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
جهت گیری مذهبی بیرونی		۳۳/۷۲	۶/۸۸	-۰/۱۶	-۰/۵۱
رضایت جنسی		۸۴/۱۴	۱۰/۱۲	-۰/۴۲	۰/۴۶
خودکنترلی		۴۷/۵۰	۱۰/۴۶	-۰/۴۳	-۰/۲۱
تعهد زناشویی	تعهد شخصی	۵۲/۳۶	۷/۹۱	-۰/۲۴	۰/۴۵
	تعهد اخلاقی	۵۲/۳۴	۹/۳۱	-۰/۵۲	۰/۱۴
	تعهد ساختاری	۳۸/۸۲	۵/۸۴	-۰/۱۶	۰/۰۲
	نمره کل	۱۴۳/۵۳	۲۰/۰۹	-۰/۲۵	۰/۴۶

(جدول ۱). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی دارای برازش مناسبی است.

گارسون (۲۰۰۷) تاکید می‌کند اگر مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین +۲ و -۲ باشد داده‌ها در سطح ۰/۵ از توزیع بهنجار برخوردارند. در این مطالعه، مقادیر چولگی و کشیدگی داده‌ها بین +۲ و -۲ به دست آمد

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴
جهت گیری مذهبی بیرونی				
رضایت جنسی	۰/۲۶**			
خودکنترلی	۰/۳۵**	۰/۱۲*		
تعهد زناشویی	۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۶۴**	

**P<۰/۰۱ *P<۰/۰۵

ماتریس همبستگی بین متغیرها در سطح $p \leq 0/01$ معنادار می‌باشد. به منظور بررسی بررسی الگوی الگوی پراکندگی نمرات پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج به شرح زیر ارائه شده است. در این بخش، به منظور

بر اساس نتایج به دست آمده (جدول ۲) بین جهت گیری مذهبی بیرونی و رضایت جنسی (۰/۲۶۸) و خودکنترلی و (۰/۳۵۵) و تعهد زناشویی (۰/۴۴۲) رابطه معناداری به صورت منفی وجود دارد. همچنین رابطه بین رضایت جنسی (۰/۳۱۹) و خود کنترلی (۰/۶۴۶) با تعهد زناشویی نیز مثبت و معنادار می‌باشد. قابل ذکر است که

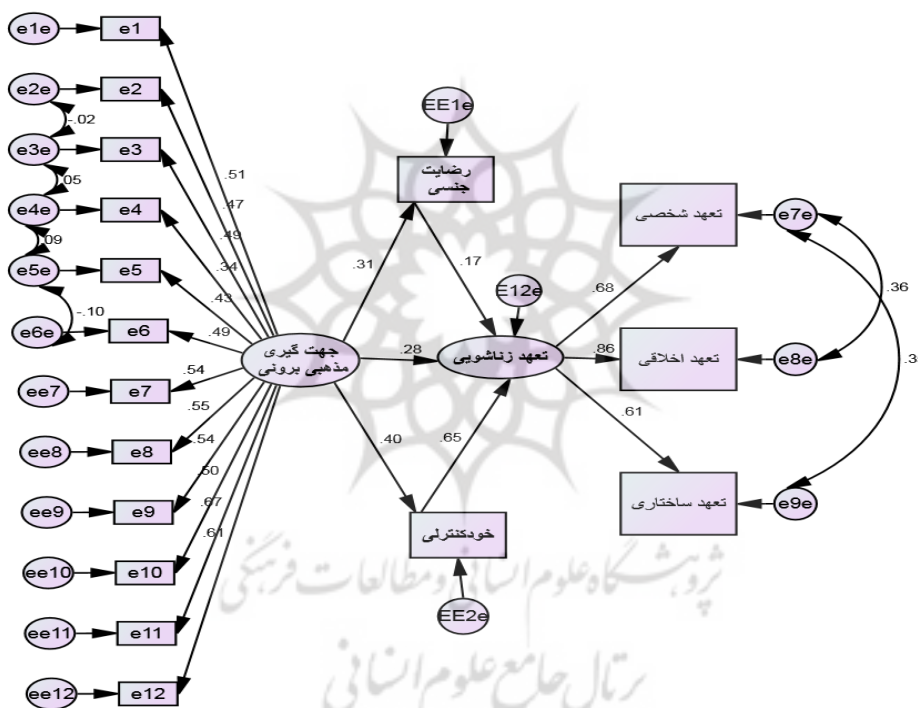
تبیین الگوی پراکندگی نمرات پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

جدول ۳. شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح					
RMSEA	CFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2
۰/۰۴۶	۰/۹۴	۰/۹۴	۱/۸۸۸	۱۱۰	۲۰۷/۶۵۸

بعد از اصلاح مدل

در جدول ۳، شاخص مجذور خی (X^2) برابر با ۲۰۷/۶۵۸، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/df) برابر با ۱/۸۸۸، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) برابر با ۰/۹۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۴ و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۶، به دست آمد. بنابراین، طبق دیدگاه هو و بنتلر (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها دلالت دارد.

در جدول ۳، شاخص مجذور خی (X^2) برابر با ۲۰۷/۶۵۸، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (X^2/df) برابر با ۱/۸۸۸، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) برابر با ۰/۹۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۴ و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۶، به دست آمد. بنابراین، طبق دیدگاه هو و بنتلر (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰/۹۰ برای شاخص‌های CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها دلالت دارد.



شکل ۱. ضرایب مسیر الگوی پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی

جدول ۴. اثرات مستقیم در بررسی متغیرهای پژوهش در فرضیه پژوهش			
متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان اثر	ضریب t
جهت گیری مذهبی بیرونی	رضایت جنسی	۰/۳۱	۵/۰۴۴
جهت گیری مذهبی بیرونی	خودکنترلی	۰/۴۰	۶/۰۴۳
جهت گیری مذهبی بیرونی	تعهد زناشویی	۰/۲۸	۴/۶۵۹
رضایت جنسی	تعهد زناشویی	۰/۱۷	۳/۹۹۳
خودکنترلی	تعهد زناشویی	۰/۶۵	۱۱/۳۷۲

است. برای تعیین معناداری رابطه الگوی پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی، از آزمون سوبل استفاده شد. در این روش از فرمول زیر برای تحلیل متغیر میانجی استفاده می‌شود.

$$Z - value = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

نتایج آزمون سوبل برای مسیر میانی در جدول زیر قابل مشاهده است.

بر اساس نتایج به دست آمده اثر مستقیم جهت گیری مذهبی بیرونی بر رضایت جنسی (۰/۳۱) و خودکنترلی (۰/۴۰) از نظر آماری معنادار است. همچنین اثر مستقیم جهت گیری مذهبی بیرونی بر تعهد زناشویی (۰/۲۸) نیز معنادار می‌باشد. علاوه بر آن اثر مستقیم رضایت جنسی بر تعهد زناشویی (۰/۱۷) و خودکنترلی بر تعهد زناشویی (۰/۶۵) نیز مثبت و معنادار ارزیابی شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار t در همه مسیرها بیش از ۱٫۹۶± است که نشان دهنده معنادار بودن این مسیرها

جدول ۵. نتایج آزمون سوبل برای اثرات میانجی و غیر مستقیم

پیش بین	میانجی	ملاک	ضریب غیر مستقیم	Z	p
جهت گیری مذهبی بیرونی	رضایت جنسی	تعهد زناشویی	۰/۰۵۳	۰/۶۳۱	۰/۰۹
جهت گیری مذهبی بیرونی	خودکنترلی	تعهد زناشویی	۰/۰۲۶	۵/۴۲۸	۰/۰۰۱

جهت گیری مذهبی می‌تواند از طریق خود کنترلی باعث ارتقای تعهد زناشویی گردد. این یافته با مطالعات براون و همکاران (۲۰۰۸)، همسو باشد. چینیتس و براون (۲۰۰۱)، و سالیوان (۲۰۰۱)، در مورد رابطه بین دینداری و ثبات زناشویی. تئوری دینداری که توسط هوپر و هوپر (۲۰۱۲) تعریف شده است، دینداری را به عنوان افکار و باورهایی که شخص در دیدن جهان دارد، توصیف می‌کند که به عنوان یک سیستم ساخت شخصی شناخته می‌شود. پنج بعد، یعنی فکری، ایدئولوژی، عملکرد عمومی، تمرین خصوصی و تجربه مذهبی ممکن است ثبات زناشویی را افزایش دهند. ثبات زناشویی مجموعه‌ای از رفتارهایی است که فرد در هنگام تعامل زوجین نشان می‌دهد و در نتیجه بر طول عمر رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارد. وقتی این مجموعه رفتارها رفتار مذهبی باشد، ازدواج افراد (زنان) را پایدارتر می‌دانند. ارزش‌های دینداری اسلامی ممکن است به ثبات زناشویی کمک کند. برای مسلمانان، دینداری معمولاً راهنمایی در حل مشکلات در مواجهه با شرایط دشوار و موقعیت‌های استرس‌زا است. زمانی که افراد بتوانند خود را در موقعیت‌های استرس‌زا مدیریت

بر اساس داده‌های جدول ۵ در پیش بینی تعهد زناشویی از طریق جهت گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری خودکنترلی مقدار Z بیش از ۱/۹۶± است و (P<۰/۰۱) معناداری این مسیر را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که خود کنترلی، رابطه بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و تعهد زناشویی را میانجی‌گری می‌کند ولی بر اساس داده‌های جدول ۵ در پیش بینی تعهد زناشویی از طریق جهت‌گیری مذهبی بیرونی با واسطه‌گری رضایت جنسی مقدار Z کمتر از ۱/۹۶± است و معناداری این مسیر را نشان نمی‌دهد (P>۰/۰۵) و می‌توان نتیجه گرفت که رضایت جنسی، رابطه بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و تعهد زناشویی را میانجی‌گری نمی‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس جهت‌گیری مذهبی بیرونی، با واسطه‌گری رضایت جنسی و خودکنترلی انجام گرفت. نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند بر روابط و میزان تعهد زوجین تأثیر بگذارد و این نوه

کنند، ازدواج آنها نسبت به افرادی که توانایی مدیریت خود را در موقعیت‌های استرس‌زا ندارند، پایدارتر می‌شود (الیسون ۱۹۹۱). علاوه بر این، لطیفه و آملیا (۲۰۱۸) دریافته‌اند که تعهد به ارزش‌های اسلامی به طور قابل توجهی ثبات زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. پایبندی به ارزش‌های اسلامی از طریق مشارکت دینی و اعتقادات دینی ارزیابی می‌شود. مشارکت در فعالیت‌های مذهبی می‌تواند افراد «تجربه «باور مشترک» را به زنده ماندن و مبارزه موفقیت‌آمیز در موقعیت‌های دشوار در طول زندگی زناشویی خود تشویق کند که منجر به تمایل کم به طلاق می‌شود. شرکت‌کنندگانی که دارای اعتقادات دینی بوده و ارزش‌های دینی را در فعالیت‌های مختلف اجرا می‌کنند، افزایش نسبتاً بالایی کارکرد خانواده و ثبات ازدواج را تجربه کرده‌اند. پایبندی به ارزش‌های دینی نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش در ازدواج دارد. ارزش‌ها برای جلوگیری از طلاق در هنگام مواجهه با شرایط سخت زندگی خانگی اولویت دارند.

و در نهایت اینکه خودکنترلی نیز در تبیین تعهد زناشویی در افراد مورد بررسی نقش معنی‌داری را ایفا می‌کند. از دیگر همبستگی‌های تعهد زناشویی در این پژوهش، خودکنترلی بود. خودکنترلی یک مراقبت درونی است که بر اساس آن وظایف محوله انجام می‌شود و از رفتارهای غیرهنجاری، غیرعادی و غیرقانونی اجتناب می‌شود. بنابراین، مهارت خودکنترلی بازتابی از خودسازی است. برای اینکه انسان بتواند رفتار خود را کنترل کند باید بفهمد که عامل ایجاد یک رفتار است و متوجه شود که آن رفتار و پیامدهای آن نتیجه عملی است که می‌تواند تا حدودی آن را کنترل کند. مطالعات نشان می‌دهد که فقدان نسبی توانایی در کنترل تکانه‌ها منجر به رفتارهای هیجانی و جنسی پرخطر و رفتار پرخوری و نوشیدن می‌شود (هادی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، شواهد تجربی نشان می‌دهد که افراد با توانایی خودکنترلی بالاتر، نتایج بهتری در زوایای مختلف دریافت می‌کنند که از آن

جمله می‌توان به مواردی مانند دستاوردها و وظایف، کنترل تکانه، سازگاری، روابط بین فردی، عواطف اخلاقی، ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد (صیادپور، ۱۳۸۶). در مورد رابطه بین خودکنترلی و تعهد زناشویی، لازم است به نتایج تحقیقات مارک، یانسن و میلیهاوزن (۲۰۰۲) مراجعه شود که معتقدند مردان و زنانی که در کنترل تکانه امتیاز کمتری دارند و از بازداری کمتری برخوردارند. بیشتر درگیر روابط هستند. آنها خارج از ازدواج می‌شوند و افرادی که تمایل بیشتری به خیانت دارند، احساسات منفی بیشتری را گزارش می‌کنند. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان اراده و آزادی است که ناشی از خویش‌داری است. در واقع خودکنترلی نوعی خودمدیریتی است که با تقویت آن فرد می‌تواند بر خود مسلط شود و از انحرافات و خطاها و جنایات دوری کند.

به طور کلی تعهد زناشویی به احساس تداوم در رابطه و تلاش و انگیزه برای حفظ رابطه اشاره دارد و عامل اصلی وفاداری و ثبات خانواده است. تعهد زناشویی شامل نگرش فرد نسبت به شریک زندگی خود و رابطه با او می‌باشد، میزان احساسات و عواطف زوجین را نسبت به طرف مقابل خود می‌رساند و اینکه در تعهد زناشویی عوامل آداب و رسوم و قوانین به عهد خود پایبند هستند. اما عواملی وجود دارد که بر میزان تعهد زناشویی در بین زوجین تأثیر می‌گذارد. یکی از این عوامل، طرحواره‌های ناسازگار اولیه است که زوجین را به سمت منفی‌گرایی در تفکر، احساس، رفتار و نحوه ارتباط با دیگران سوق می‌دهد و آنها را از تعهدات زناشویی خود دور می‌کند، زیرا این طرحواره‌ها به باورهای فرد نفوذ می‌کند و بر رفتار او تأثیر منفی می‌گذارد. و افکار یکی دیگر از عوامل مهم در تأثیرگذاری بر میزان تعهد زناشویی، باورهای ارتباطی است. اگر این باورها مؤثر باشد، می‌تواند سطح تعهد زوجین را بهبود بخشیده و حفظ کند و در صورت بی‌اثر بودن، این تعهدات را مختل می‌کند. اگر کانال‌های ارتباطی زوجین در تعامل و دوستی شکل بگیرد، میزان

در نظر گرفته شود. علاوه بر اهمیت رضایت زناشویی، بررسی رابطه بین سازگاری زناشویی و طرحواره های ناسازگار اولیه حائز اهمیت است. اگرچه در این پژوهش رابطه بین سبک های ارتباطی و تعهد زناشویی زوجین تأیید شد، اما پیچیدگی و ماهیت آن به خوبی شناخته نشده است. بنابراین درک پیچیدگی سبک و نوع رابطه در زوجین در آینده مهم است.

موازن اخلاقی

در این پژوهش موازن اخلاقی شامل اخذ رضایت آگاهانه، تضمین حریم خصوصی و رازداری رعایت شد. با توجه به شرایط و زمان تکمیل پرسشنامه ها ضمن تأکید به تکمیل تمامی سؤال ها، شرکت کنندگان در مورد خروج از پژوهش مختار بودند. پس از اتمام پژوهش گروه گواه نیز تحت مداخله قرار گرفتند.

تشکر و قدردانی

محقق از همه کسانی که در انجام این پژوهش مساعدت کردند کمال تشکر به عمل می آورد.

مشارکت نویسندگان

همه نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم سازی، روش شناسی، گردآوری داده ها، تحلیل آماری داده ها، پیش نویس، ویراستاری و نهایی سازی نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- آزادی فرد، صدیقه، امانی، رزیتا. (۱۳۹۹). رابطه ای باورهای ارتباطی و سبک های حل تعارض با رضایت زناشویی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۴(۲)، ۳۹-۴۷.
- پورغلامی، زینب (۱۳۹۴). ارائه مدل علی باورهای ارتباطی و رضایت جنسی با نقش میانجی گری تعارضات زناشویی. دانشگاه شهید باهنر کرمان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پایان نامه کارشناسی ارشد.
- زارعی، سلمان. (۱۳۹۹). رابطه هوش اخلاقی و هوش معنوی با تعهد زناشویی زنان: نقش واسطه ای صمیمیت زناشویی. *رویش روان شناسی*. ۹ (۷): ۵۴-۴۵.

تعهد نیز بالاست و تعهد بیشتری نسبت به یکدیگر دارند. همچنین اگر زوجین از روابط صمیمانه و جنسی خود با همسر خود رضایت داشته باشند، میزان تعهد زناشویی آنها نیز در سطح مطلوبی قرار دارد، زیرا زوجین نیازهای عاطفی ناشی از ارزیابی را از منظر مثبت می بینند و نیازهای عاطفی، طرف مقابل را ارضا می کنند و این صمیمیت و احساس باعث می شود که آنها بیشتر به زندگی زناشویی پایبند باشند. بنابراین به طور خلاصه می توان گفت که طرحواره ها بر تعهدات زوجین تأثیرات منفی دارد، اما در عوض، باورهای ارتباطی، الگوهای ارتباطی، رضایت جنسی و خودکنترلی در صورت شکل گیری در ابعاد مثبت و کارآمد، می تواند تعهدات زوج ها را افزایش و حفظ کند (صیادپور، ۱۳۸۶). با پایبندی به آموزه های دینی، فرد در شرایط سخت و پر استرس نیز توانایی حل مسئله را دارد. زمانی که افراد بتوانند خود را در چنین موقعیتی مدیریت کنند، نسبت به افرادی که این توانایی را ندارند، به احتمال زیاد منجر به ازدواج پایدارتر خواهد شد. علاوه بر این، مشارکت در فعالیت های مذهبی به عنوان بخشی از تعهد دینی به عنوان عاملی برای ثبات زناشویی شناخته می شود. فعالیت های مذهبی به عنوان یک منبع اجتماعی می تواند به بهبود رفاه ازدواج و بهبود تاب آوری در طول زندگی زناشویی کمک کند. معاشرت با افرادی که دارای ارزش ها و هنجارهای اصیل هستند ممکن است به الگوسازی رفتاری منجر شود که می تواند منعکس کننده رفتارهای تمجید از اعضای خانواده در خانه باشد.

قابل ذکر است که تعمیم یافته ها به محدودیت های تحقیق بستگی دارد. این پژوهش اساساً از نوع همبستگی بود. از این رو، توضیح علی نتایج ممکن نیست. همچنین نمونه آماری این پژوهش بر اساس استفاده از ابزار اندازه گیری خود گزارشی انتخاب شد. بنابراین، تعمیم نتایج باید با احتیاط انجام شود. بر این اساس پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی، روایی و پایایی در نمونه های متنوع و گسترده تر

- Chinitz, Joshua G., and Robert A. Brown. (2001). Religious homogamy, marital conflict, and stability in same-faith and interfaith jewish marriages. *Journal for the Scientific Study of Religion* 40: 723-33.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic, and divorcing couples. *Journal of consulting and clinical psychology*, 59(3), 458.
- Danley, C. J. *Marital satisfaction in clergy couple: Issues, concern, and mediating factors associated with their roles as pastor and pastor's spouse* (Doctoral dissertation, Ph. D. Dissertation. Texas: Woman's University, 2007: 18).
- Dattilio, F. M. (2005). Introduction to the special section: The role of cognitive-behavioral interventions in couple and family therapy. *Journal of marital and family therapy*, 31(1), 7-13.
- Donnellan, M. B., Assad, K. K., Robins, R. W., & Conger, R. D. (2007). Do negative interactions mediate the effects of negative emotionality, communal positive emotionality, and constraint on relationship satisfaction?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 24(4), 557-573.
- Ehrenberg, M. F., Robertson, M., & Pringle, J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53(3), 204-219.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of consulting and clinical psychology*, 50(5), 715.
- Ellison, C. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of Health and Social Behavior* 32: 80-99.
- Finkel, E. J., & Campbell, W. K. (2001). Self-control and accommodation in close relationships: an interdependence analysis. *Journal of personality and social psychology*, 81(2), 263.
- Galinsky, A. M., & Waite, L. J. (2014). Sexual activity and psychological health as mediators of the relationship between physical health and marital quality. *Journals of Gerontology Series B: Psychological Sciences and Social Sciences*, 69(3), 482-492.
- Gomillion, S., Lamarche, V. M., Murray, S. L., & Harris, B. (2014). Protected by your self-control: The influence of partners' self-control on actors' responses to interpersonal
- سیری ثابت، شبنم. (۱۳۹۸). نقش باورهای غیرمنطقی در تعهد زناشویی زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی منطقه ۲ تهران. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۴(۱)، ۷۱-۸۰.
- شمس‌الدینی، هانیه، رفاهی، ژاله (۱۳۹۵). نقش پیش بینی کنندگی باورهای غیرمنطقی ارتباطی و مؤلفه‌های عشق بر دلزدگی زناشویی زنان. فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره. ۱۵(۶۰)، ۱۹-۴۱.
- صادقی، مسعود، قادری جاوید، سارا، شلانی، بیتا. (۲۰۱۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متأهل. پژوهش در دین و سلامت. ۵(۳)، ۱۸-۳۱.
- صیادپور، زهره (۱۳۸۶). بررسی تحول مفهوم خانواده در کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی. ۱(۲)، ۲۲-۳۰.
- هادی، سعیده، اسکندری، حسین، سهرابی، فرامرز، معتمدی، عبدالله، فرخی، نور علی. (۱۳۹۵). مدل ساختاری پیش بینی تعهد زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی). فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۷(۲۸)، ۳۳-۶۰.
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72(5), 1177.
- Ahmed, A. U. (1996). Marital instability: A social and behavioral study of the early years. *Journal of Marriage and Family*, 58(4), 1045.
- Aman, J., Abbas, J., Lela, U., & Shi, G. (2021). Religious affiliation, daily spirituals, and private religious factors promote marital commitment among married couples: does religiosity help people amid the COVID-19 crisis?. *Frontiers in psychology*, 12, 657400.
- Azadifard, S., & Amani, R. (2020). The Relation between Relational Beliefs and Conflict Resolution Styles with Marital Satisfaction. *Clinical Psychology and Personality*, 14(2), 39-47. (Persian)
- Brown, Edna, Terry L. Orbuch, and Jose A. Bauermeister. (2008). Religiosity and marital stability among black american and white american couples. *Journal of Family Relations* 57: 186-97.
- Burpee, L. C., & Langer, E. J. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12, 43-51.

- and marital adjustment. *Journal of clinical psychology*, 47(1), 28-33.
- Navabinejad, S., Rostami, M., & Parsakia, K. (2023). The Mediating Role of Emotional Intelligence In The Relationship Between Marital Conflicts And Tendency To Marital Infidelity In Couples. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 5(1), 1-8.
- Ramirez Jr, A. (2008). An examination of the tripartite approach to commitment: An actor-partner interdependence model analysis of the effect of relational maintenance behavior. *Journal of Social and Personal Relationships*, 25(6), 943-965.
- Robles, T. F., Slatcher, R. B., Trombello, J. M., & McGinn, M. M. (2014). Marital quality and health: a meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 140(1), 140.
- Sadeghi, M., Ghaderijavid, S., & Shalani, B. (2019). Prediction of marital commitment based on personality traits, attachment styles, and religious orientation in married students. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat*, 5(3), 18-31. (Persian)
- Seiri Sabet, Sh. (2019). Role of irrational beliefs in marital commitment of married women visiting health centers in 2nd region of Tehran. *Studies of psychology and educational sciences*, 4(1), 71-80. (Persian)
- Sharp, E. A., & Ganong, L. H. (2000). Raising awareness about marital expectations: Are unrealistic beliefs changed by integrative teaching?. *Family relations*, 49(1), 71-76.
- Siyavoshi, H., & Navabinezgd, S. H. (2006). The relationship between marital communication patterns and irrational beliefs of high school teachers. *News in consulting*, 4, 19-34.
- Slavinskienė, J., & Žardeckaitė-Matulaitienė, K. (2012). The relations between sociodemographical factors, irrational beliefs, adult insecure attachment style and marital satisfaction of Lithuanian married couples. *Advanced research in scientific areas*, 3(7), 1042-1047.
- Smith, N. K., Madeira, J., & Millard, H. R. (2015). Sexual function and fertility quality of life in women using in vitro fertilization. *The journal of sexual medicine*, 12(4), 985-993.
- Stackert, R. A., & Bursik, K. (2003). Why am I unsatisfied? Adult attachment style, gendered irrational relationship beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction. *Personality and individual differences*, 34(8), 1419-1429.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review*, 93(2), 119.
- Sullivan, Kieran. T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: risk. *Social Psychological and Personality Science*, 5(8), 873-882.
- Gottman, J. M., & Tabares, A. (2018). The effects of briefly interrupting marital conflict. *Journal of marital and family therapy*, 44(1), 61-72.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 33(4), 313-328.
- Huber, Stefan, and Odilo W. Huber. (2012). The centrality of religiosity scale (CRS). *Religions* 30: 710-24.
- Kenny, D. A. (2018). Reflections on the actor-partner interdependence model. *Personal Relationships*, 25(2), 160-170.
- Lambert, Nathaniel M., and David C. Dollahite. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations* 55: 439-49
- Latifa, R., Salsabila, S., & Yulianto, H. (2021). Understanding the Relationship between Religiosity and Marital Commitment to Marital Stability: An Investigation on Indonesian Female Journalists. *Religions*, 12(4), 242. MDPI AG. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.3390/rel12040242>
- Latifa, Rena, and Febyorita Amelia. (2018). How commitment to Islamic values maintain marital stability. *Hamdard Islamicus* 41: 107-32.
- Lavner, J. A., Lamkin, J., & Miller, J. D. (2017). Trait impulsivity and newlyweds' marital trajectories. *Journal of personality disorders*, 31(1), 133-144.
- Li, P. F., & Johnson, L. N. (2018). Couples' depression and relationship satisfaction: Examining the moderating effects of demand/withdraw communication patterns. *Journal of Family Therapy*, 40, S63-S85.
- Mam Salehi, H., Moradi, O., Arefi, M., & Yar-Ahmadi, Y. (2020). Mediating role of communication patterns in relationship between self-differentiation and sexual satisfaction. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology*, 26(2), 154-169.
- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R. R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: Demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extradyadic sex. *Archives of sexual behavior*, 40, 971-982.
- Mead, N. L. (2005). *Personality predictors of relationship satisfaction among engaged and married couples: An analysis of actor and partner effects*. Brigham young university.
- Möller, A. T., & Van Zyl, P. D. (1991). Relationship beliefs, interpersonal perception,

- An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology* 15: 610-26.
- Tao, P., Coates, R., & Maycock, B. (2011). The impact of infertility on sexuality: A literature review. *The Australasian medical journal*, 4(11), 620.
- Terry, M. L., Leary, M. R., & Mehta, S. (2013). Self-compassion as a buffer against homesickness, depression, and dissatisfaction in the transition to college. *Self and Identity*, 12(3), 278-290.
- Todesco, L. (2013). Family social background and marital instability in Italy. Do parental education and social class matter?. *The social science journal*, 50(1), 112-126.
- Willoughby, B. J. (2015). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of Adult Development*, 22, 76-89.
- Woods, N. F. (1987). Toward a holistic perspective of human sexuality: alterations in sexual health and nursing diagnoses. *Holistic nursing practice*, 1(4), 1-11.
- Yeh, H. C., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A. S., Conger, R. D., & Elder Jr, G. H. (2006). Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife. *Journal of family psychology*, 20(2), 339.
- Young, K. (2017). *Exploring the Recipe for a Healthy Relationship: The Impact of Personality Strengths and Strength Similarity on Romantic Relationships* (Doctoral dissertation).
- Young, M., Denny, G., Luquis, R., & Young, T. (1998). Correlates of sexual satisfaction in marriage. *Canadian Journal of Human Sexuality*, 7, 115-128.
- Yovetich, N. A., & Rusbult, C. E. (1994). Accommodative behavior in close relationships: Exploring transformation of motivation. *Journal of Experimental Social Psychology*, 30(2), 138-164.
- Zarei, S. (2020). The Relationship Between Moral Intelligence and Spiritual Intelligence with Marital Commitment in Women: The Mediating Role of Marital Intimacy. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 9(7), 45-54.
- Zuo, P. Y., Karremans, J. C., Scheres, A., Kluwer, E. S., Burk, W. J., Kappen, G., & Ter Kuile, H. (2020). A dyadic test of the association between trait self-control and romantic relationship satisfaction. *Frontiers in Psychology*, 11, 594476.